

الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایز نیافته: یک مطالعه کیفی

زینب عبدیوسفخانی^۱ | علی اکبر سلیمانیان^۲ | زینب گل پیچ^۳

۶۲

سال هجدهم
بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۵/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۸/۰۱

صص: ۸۹-۱۱۹



چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی الگوهای تعاملی زوجها در بستر تمایز نیافتگی است. وجود تفاوت در تعاملات زوجی به واسطه ویژگی‌های درون فردی و بین فردی زوجها است. این پژوهش با استفاده از روش کیفی و طرح پدیدارشناسی تفسیری انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۸ فرد متأهل (۱۱ زن و ۷ مرد) بودند که نمرات تمایز یافتگی آنها یک انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین و اضطراب آنان یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین بود. انتخاب مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و روش ملاک محور انجام شد و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته در فاصله زمانی بین مرداد ماه سال ۱۳۹۹ تا خرداد سال ۱۴۰۰ صورت گرفت. همچنین، به منظور پوشش دادن ملاک‌های ورود از مقیاس تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر و پرسشنامه سلامت عمومی استفاده گردید. مصاحبه‌ها طبق رویکرد هفت مرحله‌ای دی‌کلمن مورد کدگذاری و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، منجر به شناسایی تعداد ۱۱۸ کد اولیه شد که بر اساس شباهت معنایی، در ۱۴ مفهوم قرار گرفت. سپس مفاهیم مرتبط با هم در ۵ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند که عبارت‌اند از: ۱- الگوهای تعاملی منفعل ساز ۲- الگوهای تعاملی خصمانه ۳- الگوهای تعاملی کنترل‌گرانه ۴- الگوهای تعاملی مبتنی بر سلب مسئولیت ۵- الگوهای مبتنی بر عدم درک دیدگاه مقابل. این پژوهش بر نقش تمایز یافتگی در الگوهای تعامل زناشویی تأکید می‌کند. به علاوه نتایج نشان‌دهنده وجود الگوهای مخرب تعامل زناشویی در افراد نامتمایز است.

کلیدواژه‌ها: تمایز یافتگی، الگوهای تعامل زناشویی، پدیدارشناسی.

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.62.4.8

Soleimanian@ub.ac.ir

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران.

۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران.

مقدمه

تمایز یافتگی از جمله مفاهیم کلیدی در نظریه بین نسلی بوئن^۱ است و تحت عنوان آمیختگی-تمایز یافتگی نیز شناخته می‌شود. این مفهوم به میزان توانایی فرد جهت برقراری تعادل بین کارکردهای عقلانی-هیجانی و صمیمیت-خودمختاری در رابطه اشاره دارد (جوی و ماردوک^۲، ۲۰۱۷). افراد تمایز یافته دارای هویت مشخص و استقلال در افکار و باورها هستند و در مواجهه با استرس‌ورهای موجود در زندگی، کنترل هیجانی مناسب و عملکرد منطقی دارند و به همین دلیل پاسخ‌های تکانشی بروز نمی‌دهند (سایفگی - کرنک^۳ و همکاران، ۲۰۱۳).

هر اندازه میزان تمایز یافتگی فرد کم‌تر باشد به احتمال بیشتری در هم آمیختگی هیجانی با دیگران را تجربه خواهند کرد (جانکوسکی و هوپر^۴، ۲۰۱۲؛ بارتل - هارینگ و لال^۵، ۲۰۱۰). افراد تمایزنا یافته هویت و ارزش‌های تعریف شده‌ای ندارند و به دلیل عدم تفکیک فرایندهای فکری و احساسی در احساسات خود غرق می‌شوند. این افراد هنگام بروز مشکلات همگام با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت نیستند در نتیجه برای رفتارهای خود مبنای منطقی ندارند و تحت تأثیر هیجانان در یافتی از سوی دیگران رفتارهای اتوماتیک‌وار نشان می‌دهند (جوی و ماردوک^۶، ۲۰۱۷؛ فریتس^۷، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش‌ها نیز حاکی از آن است که افراد تمایزنا یافته در مواجهه با چالش‌ها کنترل مطلوبی بر رفتار خود ندارند و اغلب به‌طور غیر ارادی و بر پایه عواطف واکنش نشان می‌دهند (هولمن و باسبی^۸، ۲۰۱۱؛ کریکاک^۹ و همکاران، ۲۰۱۲) و در حقیقت این افراد تحت تأثیر احساساتی هستند که از آن درک درستی ندارند.

معمولاً در شرایط عادی، نوعی استدلال منطقی بر رفتار همه افراد حاکم است (اسکورن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۰). اما در شرایط اضطراب‌زا تمایزنا یافتگی خود را بیشتر نشان می‌دهد؛ به بیان دیگر

1. Bowen, M
2. Choi, S & Murdock, N
3. Seiffge-Krenke, L
4. Jankowski, P & Hooper, L
5. Bartle-Haring, S & Lal, A
6. Choi, S & Murdock, N
7. Freitas, A
8. Holman, T & Busby, D
9. Krycak, R
10. Skowron, E

عکس‌العمل فرد در برابر عوامل استرس‌زا نشانگر سطح تمایز یافتگی وی است (کیم و کیم^۱، ۲۰۱۶). پایین بودن قدرت سازگاری افراد تمایز نیافته در مواجهه با استرس، باعث ایجاد اضطراب مزمن یا نگرانی فراگیر در رابطه با موقعیت‌های تنش‌زا می‌شود که اختلال در عملکرد و رفتارهای غیرارادی و ناکارآمد را به دنبال دارد (بارتل - هارینگ و لال، ۲۰۱۰؛ تیتلمن^۲، ۲۰۱۴).

همه افراد در طول زندگی انواع استرسورها را تجربه می‌کنند اما سبک پاسخ‌دهی افراد به آن‌ها متفاوت است. برخی پاسخ‌ها از نوع هیجان‌مدار (شامل روش‌هایی برای کنترل هیجان‌ها)، برخی مسئله‌مدار (شامل انواع فعالیت‌های مستقیم جهت حل مشکل) و تعدادی اجتناب‌مدار (شامل روش‌هایی برای انکار یا کوچک شمردن موقعیت تنش‌زا) هستند (سایفجی - کرنک و همکاران، ۲۰۱۳؛ اسزابو^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر تجربه فردی در شرایط استرس‌زا، ماهیت ازدواج و زندگی زناشویی ایجاب می‌کند که زوج به‌طور مداوم استرسورهای گوناگون را تجربه کنند. این استرسورها می‌تواند ناشی از مراحل تحولی خانواده (مانند به دنیا آمدن فرزند و عهده‌دار شدن نقش والدی) (کلات و برون^۴، ۲۰۱۶)، استرسورهای عمودی (شامل ادراکات درونی زوج است که از خانواده اصلی‌های اصلی کسب کرده و به رابطه زوجی وارد می‌کنند) و افقی (حوادث ناگهانی مانند مرگ یکی از اعضای خانواده) (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۵، ۱۳۹۶) باشد. اما همان‌طور که سبک پاسخ‌دهی افراد به شرایط اضطراب‌زا و استرسورها متفاوت است، شیوه‌ی پاسخ‌دهی زوج‌ها هم متفاوت است و علاوه بر آن، ماهیت رابطه زوجی، نوع پاسخ‌دهی زوج را به استرسورها از حالت فردی خارج و در قالب الگوهای تعاملی خاصی صورت‌بندی می‌کند (لی و روبرتز^۶، ۲۰۱۸).

الگوهای تعاملی زوجی شامل روش‌های برقراری رابطه و چگونگی برخورد زن و شوهر با تعارضات گوناگون است و استفاده از الگوهای تعاملی مؤثر باعث افزایش درک متقابل و ارضای نیازهای روانی زوج می‌شود (هانسون و السون^۷، ۲۰۱۸). الگوهای تعاملی زوجی به چهار دسته کلی تقسیم شده است: ۱- الگوهای پرشور و نشاط: زوجین دارای روابط گرم و صمیمانه هستند و تعارضات را با گفت‌وگو حل می‌کنند ۲- الگوهای انطباقی: برخورد زوجین در راستای پیشگیری

1. Kim, K & Kim, S
2. Titelman, P
3. Szabo, A
4. Clout, D & Brown, R
5. Goldenberg, I & Goldenberg, H
6. Lee, E & Roberts, L
7. Hanson, T & Olson, P

■ الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایزنا یافته: یک مطالعه کیفی

از تعارضات شدید، توأم با صبر و مدارا است ۳- الگوهای سنتی: سطح تعاملات زوجین محدود است و به دلیل وجود نقش‌های تعریف شده، تنش‌ها کم است ۴- الگوهای متعارض: تعاملات زوجین خصمانه و همراه با نارضایتی است و روابط آنان به دلیل رفتارهای متناقض و بی‌ثباتی، توأم با تنش است (گاتمن و گاتمن^۱، ۲۰۲۱).

به طور خلاصه، شکاف پژوهشی در مطالعه حاضر مربوط به عدم شناسایی الگوهای تعامل زناشویی در افراد تمایزنا یافته است. منطبق با نظر دیدگاه‌های سیستمی در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی، ویژگی‌های فردی می‌تواند الگوهای تعامل زناشویی را متأثر سازد. تمایزنا یافتگی به عنوان یک ویژگی طرح شده در این نظریه‌ها، به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها اطلاق می‌شود که به واسطه آن افراد آمادگی واکنش‌های هیجانی متناسب با موقعیت را ندارند؛ و در موقعیت‌های بین فردی نظیر تعاملات زناشویی واکنش‌های خودآیندی را نشان می‌دهند که حاکی از عدم درک صحیح از موقعیت است. به علاوه وجود هسته ضعیف خود و عزت نفس پایین و سطوح بالای اضطراب در این افراد می‌تواند تعاملات زناشویی را به صورت مضاعف پیچیده نماید. این مختصات می‌تواند الگوهای تعامل زناشویی خاصی را ایجاد نماید که به صورت بالقوه همراه با تنش و تعارض هستند. هرچند که پژوهش‌های مختلف به وجود انواع الگوهای تعاملی زوجی در رابطه با متغیرهای متنوع نظیر الگوهای خواب و بیداری (گان^۲ و همکاران، ۲۰۲۱)، خانواده‌های چندهمسری (سینای و پیلج^۳، ۲۰۲۱)، زوج‌های دارای شرایط ویژه نظیر زوج‌های دارای فرزندان مبتلا به اختلالات طیف اتیسم (هارتلی^۴ و همکاران، ۲۰۱۸)، افراد مبتلا به دردهای مزمن (بارنس^۵ و همکاران، ۲۰۱۸) و الگوهای تعامل زناشویی در زوج‌های عادی (گاتمن و گاتمن، ۲۰۲۱) اشاره کرده‌اند و از طرفی مطالعات بسیاری به ویژگی‌های افراد تمایزنا یافته و پیامدهای این تمایزنا یافتگی در خانواده و انتقال الگوهای بین نسلی (کیم و ژانگ، ۲۰۱۵؛ لاهاو^۶ و همکاران، ۲۰۱۹)، همچنین ارتباط تمایزنا یافتگی با متغیرهایی مانند بی‌رمقی زناشویی (محمودپور و همکاران، ۲۰۲۰)، ناگویی خلقی (آکسته و آگنج، ۱۴۰۰) و ناگویی هیجانی (عبدی و نیکخواه، ۱۴۰۰) اشاره

1. Gottman, J & Gottman, J
2. Gunn, H
3. Sinai, M & Peleg, O
4. Hartley, S
5. Burns, J
6. Lahav, Y

داشته‌اند اما به چگونگی الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایز نیافته نپرداخته‌اند. ضرورت بررسی این مسئله، به اهمیت مفهوم فرافکنی و انتقال الگوهای هیجانی بین نسلی در نظریه بوئن مربوط است. فرافکنی اشاره به فرایندی دارد که والدین از آن برای انتقال تمایز نیافتگی به مستعدترین فرزند استفاده می‌کنند؛ که اغلب از طریق مثلث‌سازی و کشاندن فرزند به درون روابط والدین صورت می‌گیرد. طبق فرایند انتقال چندنسلی، افراد تمایز نیافته الگوهای هیجانی موجود در بافت خانواده اولیه را به صورت خودکار می‌پذیرند و به نسل بعدی منتقل می‌کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۶). بوئن معتقد است تکرار این انتقال بعد از چندین نسل، حتی می‌تواند به بروز نشانه‌های بیمارگون مانند اسکیزوفرنی در نسل‌های بعدی منجر شود. از طرفی بوئن اشاره می‌کند که مسیر‌هایی از تمایز نیافتگی، رسیدن به نوعی بینش نسبت به الگوهای هیجانی منتقل شده، است (کرا، ۲۰۱۱). شناسایی الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایز نیافته و کمک در جهت کسب بینش نسبت به این الگوهای هیجانی، می‌تواند چرخه فرافکنی و انتقال بین نسلی این الگوها را متوقف و زوج را به سمت اتخاذ الگوهای تعاملی سالم سوق دهد. مطابق با شکاف پژوهشی بیان شده و اهمیت بررسی موضوع، پژوهش حاضر در صدد کشف الگوهای تعامل زناشویی در افراد تمایز نیافته است.

روش شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و طرح پدیدارشناسی انجام شد. هدف و غایت پژوهش پدیدارشناسی، توصیف و شناسایی پدیده‌ها به همان صورتی است که در موقعیتی مشخص از سوی افراد ادراک می‌شود (بانیستر^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). در پژوهش حاضر منطق استفاده از این روش، مربوط به ماهیت مسئله مبنی بر اکتشاف الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایز نیافته، است. جهت دستیابی به این هدف و پاسخ به مسئله پژوهش، لازم بود به بررسی تجربه زیسته افراد تمایز نیافته در مورد شیوه‌هایی که به طور ثابت و مکرر با همسر خود تعامل می‌کنند، پرداخته شود. به عبارتی فرد تمایز نیافته به عنوان شخصی که تجربه زندگی با یک حالت روان‌شناختی خاص را دارا است می‌تواند تجارب زیسته متفاوتی با سایرین داشته باشد. بنابراین پدیده مورد مطالعه، کنش و

1. Kerr, C
2. Banister, P

واکنش‌های زوجی این فرد با مختصات خاص در تعامل با همسرش است. و روش کیفی با استفاده از طرح پدیدارشناسی تفسیری این امکان را فراهم می‌ساخت.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۱۸ فرد متأهل (۱۱ زن و ۷ مرد) بودند که در فاصله زمانی بین مرداد ماه سال ۱۳۹۹ تا خرداد سال ۱۴۰۰ مصاحبه شدند. ملاک‌های ورود پژوهش شامل این موارد است: ۱- عدم مصرف داروهای روانپزشکی (مشارکت‌کننده و همسر) ۲- عدم داشتن اعتیاد و سو مصرف مواد (مشارکت‌کننده و همسر) ۳- عدم اقدام برای طلاق ۴- نمره یک انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین در مقیاس تمایز یافتگی و یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین در مقیاس اضطراب (در توضیح آن که چرا ملاک یک انحراف معیار بالاتر از میانگین در "اضطراب" بررسی شده است، باید به متون مربوط به تمایز یافتگی در نظریه بوئن اشاره کرد که یکی از ویژگی‌های اصلی افراد تمایزنا یافته را مضطرب بودن آنها می‌داند. لذا برای تشخیص افراد تمایزنا یافته علاوه بر تمایز یافتگی، اضطراب را نیز مورد بررسی قرار گرفت). برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، از نمونه‌گیری هدفمند و روش ملاک محور استفاده شد. انتخاب مشارکت‌کنندگان تا حد اشباع نظری ادامه پیدا کرد و در نهایت ۱۸ مشارکت‌کننده (۱۱ زن، ۷ مرد) مورد بررسی قرار گرفتند. به این معنا که بعد از مصاحبه شانزدهم، دو مصاحبه جهت اطمینان از رسیدن به اشباع انجام گرفت.

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. فرم مصاحبه نیمه ساختاریافته بر مبنای نظر متخصصان و ادبیات پژوهش تنظیم و پس از آن در یک مطالعه مقدماتی، روایی محتوایی آن بر اساس ضریب CVI¹ بررسی شد و با استخراج سؤالات متناسب با اهداف پژوهش فرم نهایی مصاحبه تدوین گردید. ضریب CVI محاسبه شده بر اساس نظر پنج متخصص حوزه مشاوره خانواده، برابر با ۱ (توافق کامل) محاسبه گردید. سؤال اصلی عبارت بود از: موقعیت یا موقعیت‌های اخیری که شما و همسرتان را تحت فشار قرار داده و برایتان استرس ایجاد کرده چه بوده است؟ واکنش شما به این موقعیت و عکس‌العمل همسرتان نسبت به واکنش شما چه بود؟ یا واکنش همسرتان به این موقعیت و عکس‌العمل شما نسبت به واکنش همسرتان چه بود؟ علاوه بر سؤال اصلی، پنج موقعیت فرضی به شرح زیر مطرح شد که

1. Content Validity Index

مشارکت کنندگان با تصور خود در آن موقعیت به سؤالات پاسخ می‌دادند: ۱- موقعیتی را فرض کنید که در آن فرزندان مسئله‌ای را ایجاد می‌کند (مانند انجام ندادن تکالیف، بی‌نظمی، دعوا یا قشقرق). شما (یا همسران) به این موقعیت چطور واکنش نشان می‌دهید؟ همسران (یا شما) نسبت به واکنش شما چگونه عکس‌العمل نشان می‌دهد؟ ۲- موقعیتی را به یاد بیاورید که شما از طرف همسران در یک عمل انجام‌شده قرار گرفته‌اید (مانند دعوت مهمان بدون هماهنگی با شما یا پذیرفتن دعوت دیگران بدون هماهنگی با شما). شما به این رفتار همسران چطور واکنش نشان داده‌اید؟ و عکس‌العمل او چگونه بوده است؟ ۳- موقعیتی را فرض کنید که همسران با خانواده شما (یا شما با خانواده همسران) درگیر مشکل شده است. او (یا شما) در این موقعیت چطور رفتار کرده است و واکنش شما (یا همسران) به رفتار همسران (شما) چگونه بوده است؟ ۴- موقعیتی را فرض کنید که یک ویژگی یا خصوصیت منفی همسران که چندین بار در خصوص آن به او تذکر داده‌اید (مثلاً بی‌نظمی، وسواس زیاد، اهمال کاری یا حساس بودن) دوباره تکرار می‌شود. واکنش شما به این موقعیت چگونه است؟ عکس‌العمل همسران به واکنش شما چیست؟ ۵- خودتان را در موقعیتی تصور کنید که میل به صمیمیت فیزیکی (مثل هم‌آغوشی) یا رابطه جنسی با همسران دارید ولی او به هر دلیل شما را پس می‌زند، واکنش شما به این موقعیت چگونه است؟ عکس‌العمل همسران به واکنش شما چیست؟

همچنین، در این پژوهش به منظور پوشش دادن ملاک‌های ورود از مقیاس تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر^۱ (DSI) و پرسشنامه سلامت عمومی^۲ (GHQ) استفاده شد که در ادامه ویژگی‌های روان‌سنجی هر یک بیان می‌گردد.

پرسشنامه تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر: این مقیاس اولین بار توسط اسکورن و فریدلندر در سال ۱۹۹۸ در ۴۳ ماده طراحی و اجرا شد و تمرکز اصلی آن روی روابط مهم زندگی و ارتباط جاری افراد با خانواده اصلی است و از چهار خرده مقیاس ۱- واکنش‌پذیری عاطفی ۲- جایگاه من ۳- گریز یا گسلس عاطفی و ۴- هم‌آمیختگی با دیگران تشکیل شده است. نمره‌گذاری مقیاس، در طیف لیبرت از ۱ (ابدأ در مورد من درست نیست) تا ۶ (کاملاً در مورد من صحیح است) انجام می‌گیرد که حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۴۳ و ۲۵۸ است. نمره‌گذاری برخی از ماده‌ها نیز

1. scales of Skowron and Friedlander differentiation

2. General Health Questionnaire

به صورت معکوس انجام می شود. اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) توسعه دهندگان اصلی این مقیاس ضرایب همسانی درونی در کل پرسشنامه را برابر ۰/۹۲ و برای واکنش عاطفی ۰/۸۹، گسلس عاطفی ۰/۸۴، موقعیت من ۰/۸۱ و آمیختگی با دیگران ۰/۸۱ گزارش نموده اند. روایی سازه فرم ایرانی این مقیاس بیانگر ساختار عاملی مناسب این مقیاس است به علاوه ضریب آلفای کرونباخ فرم ایرانی این مقیاس برابر با ۰/۷۶ محاسبه گردیده است (رسولی و همکاران، ۲۰۱۶).

پرسشنامه سلامت عمومی: این پرسشنامه از شناخته شده ترین ابزارهای غربالگری اختلالات روانی و ارائه شده توسط گلدبرگ در سال ۱۹۷۶ است که به صورت فرم های ۱۲، ۲۸، ۳۰ و ۶۰ در دسترس است. در این مجموعه فرم ۲۸ سؤالی آن ارائه گردیده است که سؤالات آن در برگیرنده چهار خرده مقیاس است که هر یک از آنها خود شامل ۷ سؤال می باشند. سؤالات ۷-۱ مربوط به مقیاس علائم آسوده اختلال عملکرد اجتماعی، و سؤالات ۲۸-۲۲ نیز مربوط به مقیاس افسردگی می باشند. این ابزار یک پرسشنامه خود گزارشی مناسب برای اهداف تشخیصی و پژوهشی است (گلدبرگ و هیلیر، ۱۹۷۹). پایداری ساختار عاملی و سطح مطلوب ویژگی های روان سنجی این پرسشنامه در فرهنگ و جوامع مختلف از جمله جامعه ایرانی مورد تأیید قرار گرفته است و به همین جهت استفاده گسترده ای در کارهای بالینی و مطالعات پژوهشی دارد (اردکانی و همکاران، ۲۰۱۶). ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس های این پرسشنامه بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۴ محاسبه گردیده است که این ضریب برای خرده مقیاس اضطراب برابر با ۰/۸۳ محاسبه گردیده است. روایی ترکیبی نسخه ایرانی نیز بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۱ محاسبه گردید که این مقدار برای خرده مقیاس اضطراب برابر با ۰/۸۹ گزارش شده است (اردکانی و همکاران، ۲۰۱۶).

تحلیل داده ها طبق رویکرد هفت مرحله ای دیکلمن^۲ انجام شد. این رویکرد مراحل زیر را شامل می شود: الف) خواندن متن مصاحبه ها جهت رسیدن به درک کلی از آن ها ب) نوشتن خلاصه های تفسیری و کدگذاری مضمون های به دست آمده ج) تحلیل کردن گروهی تمامی خلاصه ها به جهت مشخص ساختن مضمون های اصلی د) مراجعه به مشارکت کنندگان یا متن اصلی مصاحبه برای مشخص ساختن عدم موافقت با تفاسیر صورت گرفته یا ناسازگاری ها و سپس نگارش تحلیلی ترکیبی برای هر کدام از مصاحبه ها ه) مقابله و مقایسه کردن متن مصاحبه ها برای

1. Goldberg, D & Hillier, V

2. Diekmann, N

شناسایی و وصف معانی و فعالیت‌های مشترک و) مشخص نمودن الگوهایی که بتواند مضمون‌های مختلف را به هم پیوند بزند (ز) به‌دست آوردن پیشنهادها و نظرات گروه پژوهش و دیگر افراد آشنا با محتوا و نحوه مطالعه در مورد پیش‌نویس نهایی و نوشتن گزارش نهایی (دیکلمن و همکاران، ۱۹۸۹).

منطبق با مفهوم‌سازی بوئن در خصوص تمایز یافتگی، همه افراد سطوحی از عدم تمایز را نشان می‌دهند و هیچ فردی در پیوستار تمایز یافتگی، تمایز یافته کامل تلقی نمی‌گردد در عین حال سطوح تمایز یافتگی می‌تواند از خفیف تا شدید گزارش شود. بر همین مبنا همه افراد سطحی از این ویژگی را دارا هستند. مبتنی بر همین مفهوم‌سازی، جهت انتخاب مشارکت‌کنندگان، لینک الکترونیکی مقیاس‌های تمایز یافتگی خود و پرسشنامه سلامت عمومی به همراه توضیحاتی در مورد اهداف پژوهش از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند واتس‌آپ و تلگرام و در گروه‌های عمومی نظیر صفحات مرتبط با گروه‌های کاری یا خانوادگی، ارسال گردید. در توضیحات ارائه‌شده از افراد متأهل دعوت شد به سؤالات پاسخ دهند. این لینک به گونه‌ای تنظیم شده بود که اگر فردی ویژگی‌های جمعیت شناختی لازم در این پژوهش را داشت - نظیر متأهل بودن، عدم مصرف داروهای روانپزشکی، عدم داشتن اعتیاد و عدم اقدام برای طلاق - سایر سؤالات شامل گویه‌های پرسشنامه سلامت عمومی و مقیاس تمایز یافتگی برای آن فرد نمایش داده می‌شد. به‌علاوه در ابتدای پرسشنامه از افراد درخواست می‌شد که در صورت تمایل شماره تماس خود را برای شرکت احتمالی در مصاحبه‌ها ارسال نمایند. هم‌زمان با دریافت پاسخ‌ها و نمره‌گذاری آنها، افرادی که نمرات آنها در مقیاس تمایز یافتگی یک انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین (پایین‌تر از ۱۴۵) و نمره خرده مقیاس اضطراب آنها در پرسشنامه سلامت عمومی یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین بود (بالاتر از ۱۴) به‌عنوان افرادی که ملاک‌های ورود به پژوهش را احراز کرده‌اند در لیست قرار داده می‌شدند تا در صورت لزوم با آنها مصاحبه شود. انتخاب مشارکت‌کنندگان و تحلیل مصاحبه‌ها، یکی پس از دیگری انجام می‌گرفت و تحلیل هر مصاحبه کارگردآوری داده‌ها در مصاحبه بعدی را هدایت می‌کرد. مصاحبه‌ها مبتنی بر مفاهیم در حال تکوین و به‌منظور پرورش و اشباع مقوله‌های به‌دست آمده انجام می‌شد. نمونه‌گیری تا حد اشباع نظری یعنی تا جایی که در جریان مصاحبه هیچ داده جدید یا مرتبط به یک مقوله به‌دست نیامد، ادامه پیدا کرد که در نهایت ۱۸ مشارکت‌کننده مورد بررسی قرار گرفتند. مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و تلفنی انجام گردید.

در ابتدای هر مصاحبه، هدف از انجام مصاحبه ذکر و برای ضبط محتوای مصاحبه اجازه گرفته می‌شد. در مورد محرمانه بودن اطلاعات و صدای ضبط شده نیز به مشارکت کنندگان اطمینان داده شد. مدت زمان اجرای هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه بود و انجام همه مصاحبه‌ها یک دوره ۱۱ ماهه به طول انجامید.

در پژوهش‌های کیفی، مفهوم قابلیت اعتماد به‌جای دو مفهوم اعتبار و روایی استفاده می‌شود. در این پژوهش برای دستیابی به شاخص قابلیت اعتماد، از سه روش مرتبط با رویکرد کل‌نگر استفاده شد که عبارت‌اند از: الف) بسندگی در نمونه‌گیری، به این صورت که در کدگذاری مصاحبه شانزدهم یافته جدیدی اکتشاف نشد و برای اطمینان از رسیدن به اشباع دو مصاحبه دیگر انجام گردید. در مجموع با انجام ۱۸ مصاحبه و عدم وجود کد جدید در سه مصاحبه آخر نمونه‌گیری بسنده در نظر گرفته شد. ب) همخوانی داده‌های جمع‌آوری شده با تجزیه و تحلیل اطلاعات: برای اطمینان از کدگذاری‌ها، دو متخصص در حوزه مشاوره خانواده کدگذاری‌ها را بررسی و با متن اصلی مصاحبه تطبیق می‌دادند و در صورت عدم همخوانی اصلاحاتی در عنوان کدها صورت می‌گرفت و این فرایند تا رفع ابهام به‌صورت کامل انجام می‌گرفت. ج) برخورداری از مبانی نظری، که دیدگاه بین نسلی بوئن به عنوان پشتوانه نظری این پژوهش در نظر گرفته شد. همچنین به‌منظور بررسی قابلیت اعتبار^۱ علاوه بر بازبینی تحلیل‌ها توسط دو متخصص در حوزه مشاوره خانواده، تمامی تحلیل‌ها توسط سه پژوهشگر انجام گرفت. به‌علاوه با مرور مستمر مصاحبه‌ها و استخراج حداکثری کدها، انتقال‌پذیری^۲ نیز مورد بررسی قرار گرفت. همچنین به‌منظور پوشش دادن تاییدپذیری^۳ در صورت عدم توافق پژوهشگران در مورد کد عنوان شده، پس از بررسی مجدد متن مصاحبه تا رسیدن به توافق کامل بحث و بررسی پیرامون آن انجام می‌شد. و اطمینان‌پذیری^۴ نیز با ارائه گزارش کلیه مستندات شامل فرم مصاحبه، ضبط شنیداری، یادداشت‌ها و روند تحلیل، بررسی گردید.

جهت رعایت ملاحظات اخلاقی به همه مشارکت کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات ارائه شده توسط آنها، به‌صورت محرمانه و بدون ذکر نام و مشخصات هویتی خواهد بود. ضبط و

1. Credibility
2. Transferability
3. Confirmability
4. Dependability

پایه‌سازی محتوای مصاحبه‌ها، قبل از شروع مصاحبه با مشارکت کنندگان مطرح می‌گردید و در صورت موافقت این افراد مصاحبه‌ها ضبط می‌شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، مشارکت کنندگان شامل ۱۱ زن و ۷ مرد با میانگین سنی ۴۰ سال و مدرک تحصیلی سیکل تا فوق لیسانس بودند که مدت ازدواج آنان از ۷ تا ۳۲ سال متغیر بود. میانگین و انحراف استاندارد تمایزیافتگی مشارکت کنندگان برابر $۱۲۱/۹۴ \pm ۹/۸۳$ و اضطراب آنها برابر با $۱۶/۶۱ \pm ۱/۲۴$ است حداقل و حداکثر نمرات در مورد متغیر تمایزیافتگی برابر با ۱۰۵ و ۱۳۸ و در مورد متغیر اضطراب برابر با ۱۵ و ۲۰ است. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت کنندگان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

مشارکت کننده	جنسیت	س.ز.	تعداد فرزند	مدت ازدواج	تحصیلات زن	شغل	ز.م.	تحصیلات زن	م.م.
۱	زن	۴۸	۲	۱۷	لیسانس	خانه‌دار	۴۹	فوق لیسانس	کارمند
۲	زن	۴۵	۳	۲۴	سیکل	خانه‌دار	۴۵	دیپلم	کارگر
۳	مرد	۳۹	۱	۹	لیسانس	کارمند	۳۶	فوق دیپلم	آزاد
۴	زن	۴۹	۳	۳۲	دیپلم	آزاد	۵۵	دیپلم	آزاد
۵	زن	۳۴	۱	۱۳	فوق لیسانس	کارمند	۳۸	لیسانس	کارمند
۶	مرد	۳۹	۲	۹	فوق لیسانس	کارمند	۳۲	لیسانس	خانه‌دار

الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایزنا یافته: یک مطالعه کیفی

مشارکت کننده	جنسیت	سن	تعداد فرزند	مدت ازدواج	تحصیلات	شغل	سن همسر	تخصص همسر	شغل همسر
۷	مرد	۳۹	۱	۱۰	لیسانس	آزاد	۳۲	لیسانس	خانه‌دار
۸	مرد	۳۸	۲	۱۲	لیسانس	کارمند	۲۹	فوق دیپلم	خانه‌دار
۹	مرد	۴۸	۲	۲۶	لیسانس	کارمند	۴۳	دیپلم	خانه‌دار
۱۰	زن	۳۴	۳	۱۷	لیسانس	کارمند	۴۰	لیسانس	آزاد
۱۱	زن	۳۳	۱	۱۰	لیسانس	خانه‌دار	۳۷	فوق لیسانس	کارمند
۱۲	مرد	۳۴	۱	۷	فوق دیپلم	آزاد	۳۰	لیسانس	خانه‌دار
۱۳	زن	۳۷	۱	۱۴	لیسانس	کارمند	۴۰	فوق دیپلم	آزاد
۱۴	زن	۳۶	۱	۱۶	فوق دیپلم	کارگر	۴۰	دیپلم	بیکار
۱۵	زن	۴۳	۲	۲۶	لیسانس	خانه‌دار	۴۶	لیسانس	کارمند
۱۶	مرد	۳۷	۲	۱۵	لیسانس	آزاد	۳۳	لیسانس	خانه‌دار
۱۷	زن	۳۰	۱	۱۱	فوق لیسانس	کارمند	۳۶	فوق لیسانس	کارمند
۱۸	زن	۴۱	۴	۲۵	سیکل	خانه‌دار	۴۸	دیپلم	آزاد

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها با روش دیگلمن، منجر به شناسایی ۱۱۸ کد اولیه، ۱۴ مفهوم و ۵ مقوله شد که خلاصه‌ای از آن در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲. کدهای اولیه، مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایزنا یافته

مقوله‌ها	مفاهیم	کدهای اولیه
الگوهای تعاملی منفعل ساز	الگوهای مبتنی بر اجبار	پافشاری - واگذاری (۳، ۱) وادارسازی - انجام با اکراه (۱۶، ۲) تهدیدکننده - تسلیم شونده (۱، ۴، ۸، ۱۴) تحمیل گر-مطیع (۲، ۶، ۷، ۸) سرکوب گر-منفعل (۵، ۶) محدودکننده - مجبور (۹) سرزنشگر- منفعل (۹، ۱۴) خودرأی - فاقد ابتکار عمل (۴، ۱۱، ۱۴)
	الگوهای مبتنی بر منطق تراشی	متقاعدگر - پذیرش با اکراه (۶) توجیه‌کننده - منفعل (۹)
	الگوهای مبتنی بر بی‌اعتنایی	بی‌تفاوت- منفعل (۴، ۵) نادیده گرفتن - انفعال (۲) کناره‌گیر- بی تفاوت (۱، ۸، ۱۸)
الگوهای تعاملی خصمانه	الگوهای تلافی جویانه	طعنه‌زن-تلافی جو (۱) معترض - تلافی کننده (۱۲، ۱۳) تلافی جو - منزجر (۷، ۱۶) تلافی جو-تهدیدکننده (۳)
	الگوهای تحقیرکننده	تحقیرکننده-تحقیرکننده متقابل (۲، ۱۷) مقصریاب-تدافعی (۱، ۳) طعنه‌زن-سرکوب گر (۴) برچسب‌زن- برچسب‌زن متقابل (۵) منتقد - طعنه‌زن (۳، ۷)
	الگوهای پرخاشگرانه	بهبانه‌جو-پرخاشگر (۳، ۱۰) شاکی- مهاجم (۱، ۱۳) متخاصم-تهدیدکننده (۱، ۳) تکانشگر-لجوج (۶) تندخو - طعنه‌زن (۱۰) معترض - سرکوب گر (۱۱، ۱۷)

مقوله‌ها	مفاهیم	کدهای اولیه
الگوهای تعاملی کنترل‌گرانه	الگوهای مبتنی بر عدم شفافیت	غیر شفاف_کنترل گر (۳) بدبین_غیر شفاف (۳)
	الگوهای مبتنی بر اعمال تغییر	تغییر دهنده _ مقاومت کننده (۲) تحمیل گر_مقاوم (۱۸، ۱۶، ۴، ۵) مجاب ساز _ متمرّد (۷) نصیحت کننده_انکار کننده (۸، ۵، ۴، ۲) منتقد_دلیل تراش (۱۵، ۶)
	الگوهای ارتباطی قدرت طلبانه	باچ گیر _ باچ دهنده (۱۱) منفعت طلب_طغیانگر (۵) پرمدها_مدافع (۶) باچ گیر_خود رأی (۳) کنترل گر _ عصیان گر (۱۸، ۷) جنجال آفرین_تنش زدا (۱۰، ۸) کنترل گر _ درمانده (۱۷، ۱۱)
	الگوهای ارتباطی مبتنی بر بیش واکنشی	بداندیش_کناره گیر (۱۳، ۶) معترض _ گریزان (۱۰، ۱) بی ملاحظه _ اجتنابی (۱۲، ۱۴، ۱۵) حساس_مجاب ساز (۶) تلافی جو _ جبران کننده (۸)
الگوهای تعاملی مبتنی بر سلب مسئولیت	الگوهای عدم توازن در مسئولیت	مسئولیت پذیر_متوقع (۱۷، ۱) مسئولیت پذیر _ مسئولیت گریز (۱۸، ۱۳، ۱۱) مسئولیت گریز _ گلايه مند (۴، ۱۲، ۱۶) مسئولیت پذیر_ بی تفاوت (۱۴)
	الگوهای مبتنی بر انتفاع از مسئولیت	بی مسئولیت - مسئولیت پذیر کنترل کننده (۱۴، ۱۵) بی مسئولیت - مسئولیت پذیر وابسته ساز (۱۴، ۱۸) مسئولیت گریز - مسئولیت پذیر قهرمان نما (۱۴، ۱۵) مدیون - مسئولیت پذیر طلبکار (۱۵، ۱۷) مدیون - مسئولیت پذیر حمایت طلب (۱۵)
	الگوهای طرد کننده	حمایت طلب_طرد کننده (۲) توجه طلب_ بی تفاوت (۲، ۱۶) طعن‌زن _ بی توجه (۹) تلافی جو _ بی تفاوت (۱۰، ۱۲، ۱۳) شاکی _ بی توجه (۴، ۱۱، ۱۴، ۱۵) تانید طلب _ بی توجه (۱۲)
الگوهای مبتنی بر عدم درک دیدگاه مقابل	الگوهای ناکام ساز	محتاج _ ناکام ساز (۷، ۱۱) متوقع _ ناکام ساز (۱۲، ۱۷)

در ادامه مقوله‌های به دست آمده از تحلیل کدها توصیف شده است. همچنین نمونه‌هایی از اظهارات مشارکت‌کنندگان در هر مورد بیان می‌گردد:

الگوهای تعاملی منفعل ساز

این مقوله شامل سه مفهوم «الگوهای مبتنی بر اجبار»، «الگوهای مبتنی بر منطق تراشی» و «الگوهای مبتنی بر بی‌اعتنایی» است. مشارکت‌کنندگان با توجه به تجارب خود در مواجهه با استرسورهای زندگی مشترک، به الگوهای تعاملی نظیر آنچه در ادامه می‌آید اشاره داشتند: پافشاری-واگذاری، تحمیل‌کننده-مطیع، تصمیم‌گیرنده-تن‌دهنده، محدودکننده-مجبور، متقاعدگر-پذیرش با اکراه، توجیه‌کننده-منفعل، درمانده-بی‌توجه و کناره‌گیر-بی‌تفاوت. مشارکت‌کننده شماره ۸ از تحمیل‌گری همسرش در موقعیت‌های مختلف و مطیع بودن خود می‌گوید: "تا دلتون بخواد در موقعیت انجام شده قرار گرفتم. تصمیمات زندگی ما رو خواهر زن و مادر زنم میگیرن و بعد خانمم بهم اعلام میکنه باید چیکار کنم. مثلاً برای مسافرت رفتن من یادم نیامد کسی باهام مشورت کرده باشه که مقصد کجا باشه یا مهمونی رفتن اینطوره که مثل یه بچه‌ی دو ساله منم با خودشون می‌برن. خلاصه‌اش این که یه راننده‌ام براشون که فقط کارت می‌کشم. واکنش من اون اوایل بحث کردن بود بعد یه مدت دیدم به هیچ جایی نمی‌رسم و امیدی به تغییر نیست. الان وقتی تو این موقعیت قرار می‌گیرم دیگه بحث نمی‌کنم. هر جا خانمم بگه میریم و هر کاری بگه انجام میدم که فقط رو مخم نباشه اونم خوشحال و راضی". مشارکت‌کننده شماره ۶ موقعیتی را بیان می‌کند که سعی دارد همسرش را در رابطه با موضوعی متقاعد کند و همسرش خواسته‌ی وی را با کراهت می‌پذیرد: "چند وقتی هست گیر داده که بره آرایشگاه دوستش کار کنه واسه کارای کاشت ناخن. من دوست ندارم زنم تو همچین محیطی باشه. بنظرم محیط سالمی نیست واسه خانما و دوست دارم تمام حواسش به بچه‌ها و خونه باشه. سر اینم دعوا زیاد داریم و حرفش میشه میگم دوست ندارم بری سرکار و بهتره به خونه زندگیمون برسی. اونم قبول کرده و فقط یکی دو روز قهر میکنه و سر سنگینه باهام". مشارکت‌کننده شماره ۸ از درماندگی خود در موقعیتی بخصوص و بی‌توجهی همسرش می‌گوید: "خیلی به گوشی اعتیاد داره. دو دقیقه نمی‌تونه بدون گوشی طاقت بیاره و همیشه دستشه. دوست دارم وقتی پیش همیم

اونو بذاره کنار. بارها بهش گفتم این موضوع رو. موقعی که خیلی دستشه واقعا عصبی میشم اما چیزی نمیگم چون دعوامون میشه. کاری ازم برنمیاد و تحمل می کنم. سعی می کنم برم بیرون تا اون لحظه یا تلویزیون می بینم. اون یه جورى محو گوشیه که اصلا متوجه نمیشه من ناراحت شدم".

الگوهای تعاملی خصمانه

مقوله دوم مشتمل بر سه مفهوم «الگوهای تلافی جویانه»، «الگوهای تحقیر کننده» و «الگوهای پرخاشگرانه» است. مشارکت کنندگان با توجه به تجارب خود در مواجهه با استرسورهای زندگی مشترک، به الگوهای تعاملی نظیر آنچه در ادامه می آید اشاره داشتند: طعنه زن - تلافی جو، متزجر، تحقیر کننده - تحقیر کننده متقابل، بهانه جو - محکوم کننده، طعنه زن - سرکوب گر، متخاصم - خشمگین، تکانشگر - لجوج و متخاصم - خشمگین. مشارکت کننده شماره ۱ از طعنه زدن همسرش و تلافی کردن خود می گوید: "وقتی با خانواده ام مشکلی داره مدام طعنه میزنه و متلک می ندازه. اوایل زندگی علی بی نهایت به خواهرم حساس بود مثلاً فکر میکرد حرف اول و آخر تو زندگی خواهرم میزنه با اینکه خواهرم از من کوچیک تره این احساس رو داشت که تمام تصمیمات من تحت تأثیر خواهرمه مثلاً وقتی میگم این موکت رو عوض کنیم میگه خواهرت تشخیص داده باید عوض شه؟ بهش میگم اگه تو حس میکنی خواهرم تو زندگی دخالت میکنه چرا مادر خودت مستقیماً تو تمام مسائل زندگی دخالت میکنه؟ خواهر من دخالت میکنه یا مادر تو؟ منم متقابلاً مادرشو زیر سوال می برم". مشارکت کننده شماره ۲ موقعیتی را تشریح می کند که با تحقیر کردن، رفتار همسرش را به چالش می کشد و همسرش نیز متقابلاً به تحقیر کردن او می پردازد: "یه مورد دیگه ام که خیلی بهش تذکر میدم اینه که تو جمع حرف نمیزنه انگار لاله بعد هر مهمونی سر این بحث داریم بهش میگم چرا عین مجسمه یه گوشه میشینی و یه کلمه حرف نمیزنی اینجوری آبروی منو میبری اونم میگه حالا تو و خانواده ات انگار کی هستین که من نگران حرف زدن یا نزدنم باشم". مشارکت کننده شماره ۶ رفتار تکانشی خود را در برابر تکرار خصوصیات منفی همسرش بیان می کند و از عکس العمل لجوجانه همسرش می گوید: "اگه در مورد رفتاری تذکر داده باشم و دوباره تکرارش کنه قطعاً عصبانی میشم و ممکنه رفتار تندی داشته باشم. خانمم هم ناراحت میشه ولی فکر نکنم رفتارشو تغییر بده و باز عصبی ترم میکنه".

الگوهای تعاملی کنترل گرانه

این مقوله، چهار مفهوم «الگوهای مبتنی بر عدم شفافیت»، «الگوهای مبتنی بر اعمال تغییر»، «الگوهای ارتباطی قدرت طلبانه» و «الگوهای ارتباطی مبتنی بر بیش واکنشی» را در بر می‌گیرد. مشارکت‌کنندگان به الگوهای تعاملی مانند آنچه در ادامه می‌آید اشاره داشتند: غیرشفاف - کنترل‌گر، تحمیل‌گر - مقاومت‌کننده، نصیحت‌کننده - مقاوم، منتقد - انعطاف‌ناپذیر، کنترل‌گر - درمانده، جنجال‌آفرین - ملاحظه‌کار، بی‌ملاحظه - اجتنابی. مشارکت‌کننده شماره ۱۱ از کنترل‌گری و قدرت‌طلبی همسرش می‌گوید: "شوهرم دوست نداره آرایش کنم مثلاً بیرون میریم یکم رژ میزنم مجبورم میکنه پاکش کنم. دخترعموم واسه تولدم به ست لوازم آرایش خریده بود خیلی دوشش داشتم. سر به موضوع جزئی بحشون شد روز بعدش دیدم جعبه اش رو میزنم نیستو کلی دنبالش گشتم آخرش شوهرم خیلی ریلکس گفت من انداختمش چون بهت اعتماد ندارم شاید من سرکارم آرایش کنی بری بیرون. خیلی دلم شکست و کلی گریه کردم. حس تنفر داشتم دوست داشتم همونجا بمیره دیگه نینمش". مشارکت‌کننده شماره ۳ از رفتار غیرشفاف خود در موقعیتی بخصوص و کنترل‌گری همسرش می‌گوید: "باجناقم یه مشکلی براش پیش اومده بود و ترجیح داد با کمک من حلش کنه. یه راز بود بینمون و کسی خبر نداشت. خانمم بی اجازه گوشیمو برداشته بود و پیامای من و باجناقمو خونده بود. از این اخلاقمش که بی اجازه گوشیمو برمیداره یا میره سر وسایلم متنفرم. خلاصه فهمید یه ماجرای هست و گفت به منم بگو؛ گفتم محمد نمیخواد کسی جز من بدونه و خیلی عصبانی شدم گوشیمو بی اجازه برداشته و یکم با لحن تند صحبت کردم بعدش گفت حتما داری یه غلطی میکنی با محمد که ما نباید بدونیم. هنوزم می‌پرسه جریان چی بود و رو اعصابمه". مشارکت‌کننده شماره ۵ موقعیتی را تشریح می‌کند که در صدد تغییر رفتار همسرش است و با انعطاف‌ناپذیری وی مواجه می‌شود: "عجول بودنش خیلی اذیتم میکنه وقتی میگه ساعت دوازده آماده باش از یازده و نیم میگه زود باش دیر شد و شدید استرسیم میکنه. همیشه باهاش صحبت می‌کنم میگم این کارت حس بدی بهم میده و هر جا می‌خوابم بریم حالمو خراب میکنی. شوهرمم میگه دست خودم نیست تو یکم زود کارارو انجام بده که اینجوری نشه". مشارکت‌کننده شماره ۶ از بیش از حد واکنش نشان دادن و کنترل‌گری

همسرش می گوید: "مادرم به خانمم گفت بود کاش یه پسر هم بیاری برامون .. خانمم هم همونجا گفته بود من دیگه بچه نمیخوام .. اومدیم خونه بهش گفتم حالا نیازی نبود تو روی مادرم این حرفو بگی .. فکر مادرم قدیمیه قبول دارم .. ولی تو باید احترام بزرگتر تو نگهداری .. خانمم گفت منظور مادرت اینه که دخترامون بی ارزشن براش .. تو ساده ای نمی فهمی .. منم هیچی نگفتم .. چون عادی شده برام که خودشو عقل کل بدونه و منو احمق فرض کنه .. بعد این موضوع هم دیگه نیومد دیدن مادرم .. رابطه اشون خراب شد و منم کاری نمی تونم بکنم".

الگوهای تعاملی مبتنی بر سلب مسئولیت

مقوله چهارم شامل دو مفهوم «الگوهای عدم توازن در مسئولیت» و «الگوهای مبتنی بر انتفاع از مسئولیت» است. مشارکت کنندگان با توجه به تجارب خود در مواجهه با استرسورهای زندگی مشترک، به الگوهای تعاملی نظیر آنچه در ادامه می آید اشاره داشتند: مسئولیت پذیر- متوقع، مسئولیت گریز- تدافعی، مسئولیت پذیر- مسئولیت گریز، مسئولیت گریز- گلایه مند، بی مسئولیت- مسئولیت پذیر کنترل کننده، مسئولیت گریز- مسئولیت پذیر قهرمان نما، مدیون- مسئولیت پذیر طلبکار، مدیون- مسئولیت پذیر حمایت طلب. مشارکت کننده شماره ۱۱ از مسئولیت پذیری خود و مسئولیت گریزی همسرش می گوید: "دخترم کلاس اوله الان هر مشکلی داشته باشه من تنهام گاهی وقتا واقعا نیاز به کمک و همراهی دارم ولی شوهرم هیچ کاری نمیکنه از موقعی که بچه دار شدیم همینجوریه و تغییری نکرده. شبها من بیدار می موندم اگه نمی خوابید و گریه می کرد. مریض می شد من و مادرم می بردیمش دکتر و مراقبش بودیم. شوهرم به بهونه ی کارش از سختیای بچه داری فرار می کنم. من چیزی نمیگم چون کاری از دستم برنمیاد و نتونستم تغییرش بدم". مشارکت کننده شماره ۱۴ از بی مسئولیتی همسرش و مسئولیت پذیری کنترل کننده خود می گوید: "اون وقتی پول دستش میاد نمی فهمه که ما اجاره خونه داریم یا تو یخچال هیچی نیست مثلاً یه روز کارواش کار میکنه و سی تومن بهش میدن؛ برمیگرده فقط سه چهارتا نون دستشه و ما بقی خرج سیگار و قلیون میشه. الان که خودم کار می کنم دیگه این مشکلات رو نداریم مثلاً روزی سه نخ سیگار واسش می خرم".

الگوهای مبتنی بر عدم درک دیدگاه مقابل

این مقوله مشتمل بر دو مفهوم «الگوهای طردکننده» و «الگوهای ناکام‌ساز» است. مشارکت‌کنندگان با توجه به تجارب خود در مواجهه با استرسورهای زندگی مشترک، به الگوهای تعاملی نظیر آنچه در ادامه می‌آید اشاره داشتند: حمایت‌طلب- طردکننده، شاکی- بی‌تفاوت، طعنه‌زن- بی‌توجه، تاییدطلب- بی‌توجه، تلافی‌جو- بی‌تفاوت، محتاج- ناکام‌ساز، متوقع- ناکام‌ساز، تاییدطلب-مقاوم. مشارکت‌کننده شماره ۹ از طعنه‌زدن خود و بی‌توجهی همسرش می‌گوید: "پسرم سال دیگه کنکور داره و هیچ تلاشی نمیکنه. این وضعیت برای هر دومون سخته و من حرص می‌خورم اما صحبتی نمی‌کنم. خانمم مدام در حال مقایسه کردن و سرکوفت زدن. بهش میگم: این رفتار چیزیه رو درست نمیکنه و عاقبت بچه‌ی ما هم میشه عین برادرت که به هیچ جا نرسید به خاطر همین مقایسه شدنا و تحقیرا. خانمم در برابر حرفم عکس‌العملی نداره و رفتارش عوض نمیشه. حرفام براش اهمیتی نداره". مشارکت‌کننده شماره ۱۱ موقعیتی را تشریح می‌کند که به صمیمیت فیزیکی با همسرش نیاز دارد و ناکامی را تجربه می‌کند: "خیلی پیش اومده برام. تمایلم به رابطه بیشتر از شوهرمه و نیاز بیشتری دارم. اون لحظه که منو پس میزنه این فکر تو ذهنم میاد که کاش تو به فرهنگ دیگه بودم و راحت میرفتم تو رابطه‌ای که نه نشونم و این جوریه تحقیر نشم. شوهرم متوجه میشه ناراحت شدم و میگه بخاطر سنگین بودن کارم حوصله و انرژی ندارم ناراحت نشو ولی خب این بهوونه است حتی اگه خسته باشه و رابطه نخواد می‌تونه هزارتا کار دیگه انجام بده و توجه کنه بهم".

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر کشف الگوهای تعامل زناشویی در افراد تمایز نیافته است. فرایند تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها منجر به شناسایی پنج مقوله به‌عنوان الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایز نیافته شد که در ادامه به تبیین فرایند شکل‌گیری هر یک از این الگوها پرداخته می‌شود. یکی از الگوهای تعامل زناشویی شناسایی شده در افراد تمایز نیافته «الگوهای تعاملی منفعل‌ساز» است که شامل سه مفهوم الگوهای مبتنی بر اجبار، الگوهای مبتنی بر منطق‌تراشی و

الگوهای مبتنی بر بی‌اعتنایی است. یافته‌ها با نتایج پژوهش استینسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۷؛ تیم و کیلی، ۲۰۱۱؛ رضاییان و همکاران، ۱۳۹۶ و بلیاد و همکاران، ۱۳۹۶ همسو است. سکوت یا انفعال در دیدگاه گاتمن عاملی خاموش است که کنش و واکنش زوج را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ بدین صورت که در هنگام بروز تعارض، یکی از طرفین منفعل بودن را انتخاب می‌کند و یا در واکنش به رفتار همسر، استقلال نظر خود را از دست می‌دهد و به اجبار منفعل می‌شود (استینسون و همکاران، ۲۰۱۷). افراد تمایزنا یافته موضع شخصی واضح یا هویت تعریف شده‌ای ندارند؛ بنابراین طبق ارزش‌ها و عقاید دیگران زندگی می‌کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۶). تحقیقات نشان می‌دهد که این افراد توانایی مدیریت تعارض در رابطه زناشویی را ندارند (رضاییان و همکاران، ۱۳۹۶)، در برابر استرس نا کارآمد می‌شوند و واکنش‌های هیجانی ناخودآگاه نشان می‌دهند (بلیاد و همکاران، ۱۳۹۶). در نتیجه ممکن است به صورت منفعلانه نظر طرف مقابل را بپذیرند و خود را فدای خشنودی دیگران یا رسیدن به هماهنگی کنند (تیم و کیلی، ۲۰۱۱). در مقابل، افراد تمایز یافته دارای قدرت حل مسئله‌اند؛ هنگام مواجهه با تعارضات زناشویی، عقاید و باورهایشان را بیان می‌کنند (این‌ها نظر من هستند... این من هستم... من این کار را می‌کنم ولی آن کار را نمی‌کنم) و با تکیه بر خودی مسنجم تصمیم می‌گیرند (کالتا^۳، ۲۰۱۴).

مهم‌ترین ویژگی افراد تمایزنا یافته، عدم توانایی آنان در جداسازی فرآیندهای احساسی از فرایندهای فکری است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۶). این ویژگی با دو نوع پاسخ همراه است که در مقوله الگوهای منفعل ساز مشهود است: ۱- امتزاج: فرد در واکنش به استرس‌های زندگی مشترک، احساسات خود را مبنا قرار می‌دهد، توانایی ابراز افکار و دیدگاه‌های خود را ندارد و جهت به دست آوردن تائید همسر، دیدگاه‌ها و تصمیمات وی را می‌پذیرد. ۲- گسلس عاطفی: فرد هنگام مواجهه با استرس، کناره‌گیری یا بی‌تفاوتی را انتخاب می‌کند. بدین صورت که با فاصله‌گیری عاطفی و عدم درگیری جهت حل تعارض، خود را از استرس موجود مصون نگه می‌دارد و در نهایت تصمیمات همسرش را می‌پذیرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۶؛ موالی، ۱۳۸۹؛ چوی و مورداک، ۲۰۱۷). بر اساس تحقیقات انجام شده، افراد تمایزنا یافته تفکر

1. Stinson, M
2. Timm, T & Keiley, M
3. Kaleta, K

انعطاف‌ناپذیری دارند و مایل‌اند تمام کارها را طبق ساختار ذهنی خود انجام دهند؛ بنابراین هرگونه تغییر و نظر متفاوت ممکن است باعث آشفتگی آنان شود (مورای^۱ و همکاران، ۲۰۱۶؛ پارک و بیون، ۲۰۱۷؛ برادرز،^۲ ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر نیز، برخی از افراد تمایز نیافته هنگام مواجهه با استرس‌ورهای زندگی زناشویی، نظرات و راه‌حل‌های ذهنی خود را به طرف مقابل تحمیل می‌کنند. به بیان دیگر در کنش و واکنش‌های رابطه زناشویی، فرصت کنش را از همسر خود سلب کرده و وی را به سمت واکنش سوق می‌دهند.

در خصوص مفهوم الگوهای مبتنی بر بی‌اعتنایی موسی و همکاران^۳ (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که الگوهای مبتنی بر غفلت و بی‌اعتنایی در روابط اولیه منجر به این می‌شود که افراد در روابط بعدی‌شان در ایجاد مرزهای واضح بین خود و دیگری با مشکل مواجه باشند. به‌علاوه در مورد مفهوم الگوهای مبتنی بر اجبار نیز اسداللهی و قهاری (۲۰۱۸) بیان می‌کنند رفتارهای مبتنی بر الزام و اجبار با پایین آمدن سطح تمایز خود نمود بیشتری پیدا می‌کنند. همچنین مفهوم‌سازی بوئن از تمایز یافتگی بیان می‌کند که تمسک به راهبردهای افراطی شامل برخوردهای شدیداً هیجانی و یا شدیداً منطقی، می‌تواند تجلی عدم تمایز خویش باشد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۶) که این مورد تبیینی برای الگوهای مبتنی بر منطق تراشی است.

دومین مقوله مرتبط با الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایز نیافته «الگوهای تعاملی خصمانه» است. یافته‌ها با نتایج مطالعه بروباچر و لی،^۴ ۲۰۱۴؛ علی‌بابایی و همکاران، ۱۳۹۸ همسو است. ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین رابطه صمیمانه در بزرگسالی، بستر اصلی بروز انواع هیجانات است؛ به همین دلیل تنظیم هیجانات، یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ثبات و کیفیت رابطه زناشویی است (گلدمن^۴، ۲۰۱۹). خشم به‌عنوان یکی از هیجانات منفی، در واکنش به رفتار تهدیدکننده بروز می‌یابد و کارکرد آن محافظت از فرد در برابر نگرانی یا خطر است (بروباچر و لی، ۲۰۱۴). عدم بروز خشم به شکل هیجان سازگار اولیه، باعث به وجود آمدن پاسخ‌های ناسالم هیجانی مانند خصومت می‌گردد (بروباچر، ۲۰۱۸) و خصومت خشم پایدار و حل‌نشده‌ای است که تمایل به حمایت یا همکاری را از بین می‌برد و به شکل بدررفتاری کلامی، دشمنی، تحقیر، تلافی و... نمود

1. Murray, A
2. Brothers, B
3. Musetti, A
4. Goldman, R

می‌یابد (علی‌بابایی و همکاران، ۱۳۹۸؛ وود^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). در سوی دیگر از ویژگی‌های بارز افراد تمایزنا یافته ضعف آنان در تنظیم هیجانی است (گولر و کاراکا^۲، ۲۰۲۱). این افراد در اغلب موارد نسبت به منشأ هیجانات خود آگاهی ندارند؛ زیرا در مواجهه با استرس، به دلیل امتزاج هیجانی در گیر پاسخ‌های تکانشی مبتنی بر احساس می‌شوند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۶). آگاهانه نبودن این فرآیند با عدم بررسی پاسخ‌های هیجانی و احتمال بروز هیجانات ناسالم همراه است (بلیاد و همکاران، ۱۳۹۶). واکنش افراد تمایزنا یافته در مواجهه با استرسورهای رابطه زناشویی ممکن است به صورت هیجانات منفی مانند خشم نمود پیدا کند. عدم بررسی و تنظیم این هیجان (گولر و کاراکا، ۲۰۲۱)، خودمحوری (رشف و اسرائیلاشویلی^۳، ۲۰۲۱) و همچنین وجود سو برداشت (جانگ و شین، ۲۰۱۷) و ارزیابی‌های منفی از رویدادها و دیدگاه‌های طرف مقابل (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۷)، خصومت و الگوهای تعاملی خصمانه را به بار می‌آورد. همسو با تبیین‌های نظری بیان شده نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که بروز الگوهای تعاملی خصمانه در روابط زناشویی افراد تمایزنا یافته مانند: الگوهای تلافی‌جویانه، الگوهای تحقیرکننده و الگوهای پرخاشگرانه، معلول تنظیم هیجانی ضعیف، خودمحوری و ارزیابی‌های منفی این افراد است.

در خصوص الگوهای مبتنی بر تلافی‌جویی، نتایج پژوهش اسکورن و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد که سطوح بیشتر تمایز یافتگی خود می‌تواند خصومت و الگوهای مبتنی بر تلافی‌جویی را پیش‌بینی نماید که این تلافی‌جویی می‌تواند ناشی از اثرات واکنش‌پذیری هیجانی شدید در افراد نامتمایز باشد. در مورد الگوهای تحقیرکننده آن‌چنان که بکر^۴ و همکاران (۲۰۱۱) بحث می‌کنند، درگیری‌های هیجانی و اغراق در واکنش‌های عاطفی می‌تواند زمینه‌ساز تحقیر در تعاملات زناشویی افراد نامتمایز باشد؛ و بالاخره در تبیین الگوهای پرخاشگرانه نیز این گونه بیان می‌گردد که افراد دارای سطوح پایین تمایز یافتگی اغلب تمایل به آمیختگی - گسستگی بیش از حد در روابط بین فردی دارند و در سوی دیگر برای اجتناب از آمیختگی با توسل به پرخاشگری قصد

1. Wood, N
2. Güler, C & Karaca, T
3. Reshef, P & Israelashvili, M
4. Becker, J

دارند فاصله عاطفی خویش را به ظاهر حفظ نماید. در واقع بروز رفتارهای پرخاشگرانه به آنها در حفظ فاصله عاطفی کمک می‌نماید (بارتل و روزن^۱، ۱۹۹۴؛ برینباوم^۲، ۲۰۰۵).

یکی دیگر از الگوهای تعامل زناشویی افراد تمایز نیافته «الگوهای تعاملی کنترل‌گرانه» است. یافته‌ها با نتایج پژوهش کالتا، ۲۰۱۴؛ کلر، ۲۰۱۹ همسو است. به عقیده جی هیلی یکی از روش‌های حل تعارض، کنترل کردن همسر در رابطه است (پاروکو و فیتریاه^۳، ۲۰۱۷). کنترل‌گری در رابطه زناشویی با رفتارهایی مانند بحث کردن، تحمیل و اجبار، ایراد گرفتن، شکاک بودن، تهمت زدن و محدود کردن روابط خویشاوندی و دوستانه بروز می‌یابد (ناوارو-گومز^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). هیلی وجود کنترل در رابطه را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند که فرد را در موضع قدرت قرار می‌دهد. افراد تمایز نیافته در مواجهه با استرسورها، توانایی مدیریت استرس را ندارند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۶) و یکی از واکنش‌های احتمالی آنان در شرایط چالش برانگیز زندگی مشترک، بروز رفتارهای کنترل‌گرانه است (کالتا، ۲۰۱۴). این افراد با محدود کردن طرف مقابل، خود را از تغییر مصون نگه می‌دارند و به این صورت با قرار گرفتن در موضع قدرت به مقابله با استرس‌های موجود می‌پردازند (پارک و بیون^۵، ۲۰۱۷). کنترل کردن رفتار همسر توسط افراد تمایز نیافته معلول ارزیابی منفی آنان در رابطه با ارزشمندی خود است (ریگاس^۶، ۲۰۱۹). بنابراین رفتارهای کنترل‌گرانه که با دریافت توجه از جانب اطرافیان همراه است؛ به جبران حس عدم ارزشمندی فرد تمایز نیافته در رابطه زناشویی کمک می‌کند (کلر، ۲۰۱۹). همسو با همین تبیین‌های نظری، نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که عدم توانایی مدیریت استرس، انعطاف‌ناپذیری شناختی، قدرت‌طلبی و عزت نفس پایین افراد تمایز نیافته، باعث بروز الگوهای تعاملی کنترل‌گرانه در روابط زناشویی آنان مانند: الگوهای مبتنی بر عدم شفافیت، الگوهای مبتنی بر اعمال تغییر، الگوهای ارتباطی قدرت‌طلبانه و الگوهای ارتباطی مبتنی بر بیش‌واکنشی می‌شود. در تبیین الگوهای ارائه‌شده در این مقوله می‌توان اشاره نمود که آمیختگی هیجانی بیش از حد به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مرکزی افراد نامتمایز موجب می‌شود که آنها برای رهایی از این وضعیت و برای حفظ فاصله عاطفی شروع به اعمال

1. Bartle, S & Rosen, K
2. Birnbaum, L
3. Purwoko B, Fitriyah, F
4. Navarro-Gómez, S
5. Park, H & Byun, S
6. Regas, S

کنترل بر دیگران در قالب حفظ اقتدار شخصی و ایجاد دین برای سایرین، وارد کردن آنها به موقعیت‌های پرتنش و سپس دخالت و دست‌کاری روان‌شناختی آنها، روی بیاورند (هالول^۱، ۱۹۹۶).

«الگوهای تعاملی مبتنی بر سلب مسئولیت» از دیگر الگوهای تعامل زناشویی در افراد تمایزنا یافته است. یافته‌ها با نتایج پژوهش فریتاس، ۲۰۱۸؛ لیچیک، ۲۰۱۹؛ والتر و پیلر، ۲۰۱۳ همسو است. برخی از افراد تمایزنا یافته در رابطه زناشویی مسئولیت‌پذیرتر هستند (فریتاس، ۲۰۱۸) این افراد به دلیل داشتن عزت نفس پایین، در تصمیم‌گیری‌های زوجی نقش پررنگ‌تری دارند و در حالی که با بی‌مسئولیتی همسر مواجه هستند؛ گران‌باری نقش را به بهای جبران حس عدم ارزشمندی خود می‌پذیرند (لیچیک^۲، ۲۰۱۹). قدرت‌مندی حاصل از مسئولیت‌پذیری بالا، کنترل رابطه را به دست این افراد می‌سپارد؛ بدین صورت که با پذیرفتن وظایف متعدد، نقش یک قهرمان را در رابطه ایفا می‌کنند و با وابسته کردن طرف مقابل، تمام امور را مطابق با میل خود پیش می‌برند (والتر و پیلر، ۲۰۱۳). برخی از افراد تمایزنا یافته نیز در رابطه زناشویی بی‌مسئولیت یا مسئولیت‌گریزند این افراد در زندگی مشترک قدرت تصمیم‌گیری و انجام امور مختلف را به دست همسرشان می‌سپارند (پارک و بیون، ۲۰۱۷) زیرا توانایی مدیریت اضطراب حاصل از آن را ندارند و به همین خاطر کناره‌گیری و انفعال را انتخاب می‌کنند (تیم و کیلی، ۲۰۱۱). همچنین این افراد به دلیل داشتن هویت تعریف‌نشده و وجود فردی مسئولیت‌پذیر در خانواده اولیه اعتماد به نفس لازم جهت پذیرش مسئولیت را ندارند و در رابطه زناشویی نیز ترجیح می‌دهند تصمیم‌گیری‌ها و انجام امور بر عهده طرف مقابل باشد (پارک و بیون، ۲۰۱۷). همسو با تبیین‌های نظری بیان شده، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که موارد ذکر شده با ایجاد الگوهای تعاملی مسئولیت‌محور در رابطه زناشویی افراد تمایزنا یافته مانند: الگوهای عدم توازن در مسئولیت و الگوهای مبتنی بر انتفاع از مسئولیت مرتبط است. در تبیین مفاهیم این مقوله باید به این نکته اشاره نمود که افراد تمایزنا یافته به دلیل عدم درک صحیح از خویشتن و عقاید خود قادر نیستند مسئولیت تصمیم‌های خود را به عهده بگیرند. این عدم پذیرش مسئولیت در مواقعی که این افراد با تنش و اضطراب مواجه می‌شوند جلوه برجسته‌تری دارد (شکیبایی و همکاران، ۲۰۰۷).

1. Hollowell, J
2. Lipchik, E

یکی دیگر از الگوهای تعامل زناشویی در افراد تمایزنا یافته « الگوهای مبتنی بر عدم درک دیدگاه مقابل » است. یافته‌ها با نتایج پژوهش داورنیا و همکاران، ۱۳۹۴؛ رودریگز، ۲۰۱۶ همسو است. رابطه زناشویی به‌عنوان عمیق‌ترین و طولانی‌ترین نوع ارتباط صمیمانه، نقش بسزایی در سلامت جسمانی و روانی زوجین دارد؛ چرا که می‌تواند به نیازهای احساسی و ارتباطی فرد پاسخ دهد (جمعه‌پور و محمدی‌پور، ۱۳۹۷). جانسون بر این عقیده است که پاسخ‌گویی به این نیازها در زندگی مشترک از طریق مراقبت، حمایت و توجه متقابل میسر است. وی با بررسی نحوه‌ی ابراز هیجان زوجین به این نتیجه رسید که کمبود درک متقابل و مشکلات ارتباطی آنان عمدتاً ناشی از عدم ابراز هیجانات اصلی و روی آوردن به ابراز هیجانات کمتر تهدیدکننده است (داورنیا و همکاران، ۱۳۹۴). افراد تمایزنا یافته در مواجهه با استرس‌های زندگی مشترک، غالباً پاسخ‌های تکانشی مبتنی بر احساس بروز می‌دهند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۶). ناآگاهانه بودن فرآیند ابراز هیجان، باعث شکل‌گیری هیجانات ناسالم در آنان می‌شود و توانایی تحلیل منطقی موقعیت و ابراز همدلی با طرف مقابل را کاهش می‌دهد (رودریگز، ۲۰۱۶). این افراد توانایی محدودی جهت درک تفاوت‌ها و نیازها در رابطه دارند و به همین علت نمی‌توانند دیگران را همان‌طور که هستند بپذیرند؛ بنابراین عملکرد ضعیفی در ابراز همدلی و درک دنیای دیگران دارند (پرایست، ۲۰۱۹). همچنین، خودمحور (رشف و اسرائیلاشویلی، ۲۰۲۱) و خودشیفته بودن آنان نیز ضعف در همدلی را به همراه دارد (یعقوبجانی، غیاثوند و تاجری، ۱۳۹۸)؛ بدین صورت که فرد با تمرکز بر دنیای شخصی خود نمی‌تواند موقعیت‌های دشوار را از نگاه همسرش ببیند، در نتیجه قادر به درک نگرانی‌ها و هیجانات او نیست (نادری، مولوی و نوری، ۱۳۹۴). علاوه بر این موارد، تفسیر افراد تمایزنا یافته از موقعیت‌های استرس‌زا در زندگی مشترک با سوء برداشت همراه است که باعث درک نادرست احساسات و دیدگاه‌های طرف مقابل می‌شود (چانگ و شین، ۲۰۱۷). همسو با همین تبیین‌های نظری نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که موارد ذکر شده با ایجاد الگوهای تعاملی مبتنی بر عدم درک دیدگاه مقابل در رابطه زناشویی افراد تمایزنا یافته مانند الگوهای طردکننده و الگوهای ناکام ساز مرتبط است. در تبیین مفاهیم این مقوله اشاره به این مطلب لازم است که رسیدن به درک درست نسبت به دیدگاه دیگران مستلزم حفظ یک رابطه هیجانی تنظیم‌شده با

1. Priest, J
2. Chang, J & Shin, S

آنان است. این در حالی است که افراد تمایز نیافته همواره در پیوستاری از آمیختگی و گسستگی به سر می‌برند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۶) که این مورد می‌تواند اتخاذ دیدگاه مناسب از دیگری را برای آنان مشکل سازد. به علاوه همین عدم درک صحیح از دیگران منجر به ایجاد احساس تنهایی و انزوا در افراد تمایز نیافته می‌گردد که می‌تواند با طرد کردن افراد نزدیک به صورت مضاعف برجسته شود (موستی و همکاران، ۲۰۲۱).

یافته‌های این پژوهش نشان داد افراد تمایز نیافته دارای ویژگی‌های هستند که به موجب آن سبک‌های تعامل زوجی خاصی را دامن می‌زنند. ویژگی مرکزی افراد تمایز نیافته که عبارت است از عدم تفکیک صحیح فرایندهای هیجانی از فرایندهای منطقی، موجب می‌شود که این افراد به الگوهای متوسل شوند که نه تنها به بهبود روابط زناشویی آنها منجر نمی‌شود بلکه می‌تواند به سایر زیر منظومه‌ها مانند زیر منظومه فرزندان منتقل شود. از طرف دیگر سطوح بالای اضطراب - به دلیل عدم تفکیک فرایندهای هیجانی و منطقی - از مشخصات این افراد است و همین سطح بالای اضطراب می‌تواند به عنوان یک عامل مضاعف روابط متعارض زناشویی را تشدید نماید. از آنجا که تمایز نیافتگی شامل ویژگی‌هایی است که در جاتی از آن در همه زوج‌ها قابل مشاهده است، یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهگشای مداخلات آموزشی و درمانی برای زوج‌ها محسوب گردد. محدودیت این پژوهش مربوط به عدم کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سطح تحصیلات، سطح اقتصادی - اجتماعی، مدت ازدواج، تعداد فرزندان است که می‌تواند یافته‌های پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد و پیشنهاد می‌شود بررسی الگوهای تعامل والد-فرزندی در افراد تمایز نیافته کانون تمرکز پژوهش‌های آینده باشد.

سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده در دانشگاه بجنورد است که کد اخلاق را با شناسه IR.UB.REC.1400.007 از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه بجنورد دریافت کرده است. بدین وسیله پژوهشگران مراتب قدردانی خود را از تمامی شرکت‌کنندگان که صادقانه، صمیمانه در اجرای این پژوهش همکاری داشتند، اعلام می‌دارند.

فهرست منابع

- آکسته الهه، آگنج نجمه. پیش‌بینی گرایش به روابط فرازنشویی بر اساس ناگویی خلقی، تمایز یافتگی و صمیمیت جنسی در زنان فرهنگی. **فصلنامه روانشناسی زن**. ۱۴۰۰؛ ۲ (۳): ۵۵-۴۱
- بلیاد، محمدرضا؛ ناهیدپور، فرزانه و آزادی، شهذخت. (۱۳۹۶). بررسی نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی در ارتباط میان افسردگی و رضایت زناشویی زنان. **روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی**، ۸ (۲۷)، ص ۱۲۶-۱۰۹.
- جمعه‌پور، محمد و مائده، محمدی‌پور. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش برنامه غنی‌سازی زندگی زناشویی بر همدلی هیجانی متعادل و مسئولیت‌پذیری زوجین. **آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده**، ۲ (۸)، ص ۲۹-۴۲.
- داورنیا، رضا؛ زهراکار، کیانوش؛ معیری، نسیم و شاکرمی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی کارایی زوج‌درمانی هیجان مدار به شیوه گروهی بر کاهش فرسودگی زناشویی زنان. **مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی**، ۲۵ (۲)، ص ۱۳۲-۱۴۰.
- رضائیان، حمیدرضا؛ معصومی، سمیرا و حسینیان، سیمین. (۱۳۹۶). بررسی و مقایسه تمایز یافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی. **مشاوره کاربردی**، ۷ (۲)، ص ۳۲-۱۷.
- سلطانی‌نژاد، مهرانه. (۱۳۹۷). بررسی رابطه خودتمایزسازی و تنظیم شناختی هیجان با کیفیت زندگی در زنان مبتلا به سرطان پستان. **فصلنامه بیماری‌های پستان ایران**، ۱۱ (۱)، ص ۶۶-۵۹.
- عبدی زرین، سهراب؛ نیکخواه سیرویی، زهرا. بهزیستی روان‌شناختی: نقش تمایز یافتگی، ناگویی هیجانی و قدرت من. **مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت**، ۸ (۳): ۱۳-۲۴
- علی‌بابایی، مریم؛ وهابی همابادی، جلال و خالقی‌پور، شهناز. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش تلفیقی مهرورزی با خودگویی مثبت بر خصومت، تاب‌آوری و احساس مثبت به همسر در زنان خیانت‌دیده. **پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت**، ۲ (۱۸)، ص ۶۳-۴۸.
- گلدنبرگ، ایرنه‌گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۹۶). خانواده‌درمانی (ترجمه مهرداد فیروزبخت). تهران: رسا.
- موالی، مونا. (۱۳۸۹). اثربخشی مداخله شناختی رفتاری بر تمایز یافتگی، سازگاری زناشویی و صمیمیت جنسی همسران جانباز و ایثارگر شهر اهواز. **پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش**، ۲ (۲۰)، ص ۵۳-۴۰.
- نادری، لیلا؛ مولوی، حسین و نوری، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان بر اساس همدلی و بخشودن. **دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی**، ۱۶ (۴)، ص ۷۵-۶۹.
- یعقوبجانی غیاثوند، لیلا و تاجری، بیوک. (۱۳۹۸). رابطه ناگویی هیجانی با تمایز یافتگی شخصیتی و خودشیفتگی در دانشجویان افسرده ساکن در خوابگاه‌های مرکز شهر تهران در سال ۱۳۹۷. **مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری**، ۴ (۴۱)، ص ۳۶-۳۱.

- Ardakani, A., Seghatoleslam, T., Habil, H., Jameei, F., Rashid, R., Zahirodin, A., ... & Arani, A. M. (2016). Construct validity of symptom checklist-90-revised (SCL-90-R) and general health questionnaire-28 (GHQ-28) in patients with drug addiction and diabetes, and normal population. *Iranian journal of public health*, *45*(4), 451. PMID:27252914
- Asadollahinia, M., & Ghahari, S. (2018). The role of differentiation of self and schema modes in prediction of rumination and compulsive behaviors in adolescents. *Asian Journal of Psychiatry*, *36*, 88-89. <https://doi.org/10.1016/j.ajp.2018.06.017>
- Banister, P., Bunn, G., Burman, E., Daniels, J., Duckett, P., Goodley, D., ... & Whelan, P. (2011). **EBOOK: Qualitative Methods In Psychology: A Research Guide**. McGraw-Hill Education (UK).
- Bartle-Haring, S., & Lal, A. (2010). Using Bowen theory to examine progress in couple therapy. *The Family Journal*, *18*(2), 106-115. doi:10.1177/1066480710364479
- Bartle, S. E., & Rosen, K. (1994). Individuation and relationship violence. *The American Journal of Family Therapy*, *22*(3), 222-236.
- Becker, J. C., Tausch, N., & Wagner, U. (2011). Emotional consequences of collective action participation: Differentiating self-directed and outgroup-directed emotions. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *37*(12), 1587-1598.
- Birbaum, L. (2005). Adolescent aggression and differentiation of self: guided mindfulness meditation in the service of individuation. *TheScientificWorldJOURNAL*, *5*, 478-489.
- Brothers, B. J. (2014). Differentiation of Self and Marital Adjustment of Clinical and Nonclinical Spouses. In *Couples Therapy, Multiple Perspectives* (pp. 141-152). Routledge.
- Brubacher, L., & Lee, A. (2014). Emotion is More Than a Feeling: The elements of emotion in action. *The EFT Community News*, *15*, 11-13.
- Brubacher, L. L. (2018). **Stepping into emotionally focused couple therapy: Key ingredients of change**. Routledge. doi:10.4324/9780429480478
- Burns, J. W., Post, K. M., Smith, D. A., Porter, L. S., Buvanendran, A., Fras, A. M., & Keefe, F. J. (2018). Spouse criticism and hostility during marital interaction: effects on pain intensity and behaviors among individuals with chronic low back pain. *Pain*, *159*(1), 25-32. doi:10.1097/j.pain.0000000000001037
- Chang, J. J., & Shin, S. H. (2017). Mediating Effects of Cognitive Emotion Regulation on Influences of Self-differentiation and Family Function in High School Students' Problem Behavior. *Journal of Korean Academy of Psychiatric and Mental Health Nursing*, *26*(3), 248-259. doi:10.12934/jkpmhn.2017.26.3.248.
- Choi, S. W., & Murdock, N. L. (2017). Differentiation of self, interpersonal conflict, and depression: The mediating role of anger expression. *Contemporary Family Therapy*, *39*(1), 21-30. doi:10.1007/s10591-016-9397-3
- Clout, D., & Brown, R. (2016). Marital relationship and attachment predictors of postpartum stress, anxiety, and depression symptoms. *Journal of social and clinical psychology*, *35*(4), 322. doi:10.1521/jscp.2016.35.4.322
- Diekelmann, N. L., Allen, D., & Tanner, C. A. (1989). **The NLN criteria for appraisal of baccalaureate programs: A critical hermeneutic analysis** (Vol. 15, No. 2253). National League for Nursing Press.
- Freitas, A. J. A. S. P. (2018). Differentiation of self and marital adjustment across the family life cycle. URI:<https://repositorio-aberto.up.pt/handle/10216/116599>

- Goldberg, D. P., & Hillier, V. F. (1979). A scaled version of the General Health Questionnaire. *Psychological medicine*, 9(1), 139-145. doi: 10.1017/S0033291700021644
- Goldman, R. N. (2019). History and overview of emotion-focused therapy. doi:10.1037/0000112-001
- Gottman, J. M., & Gottman, J. S. (2015). *Gottman couple therapy*. The Guilford Press.
- Güler, Ç. Y., & Karaca, T. (2021). The role of differentiation of self in predicting rumination and emotion regulation difficulties. *Contemporary Family Therapy*, 43(2), 113-123.
- Gunn, H. E., Lee, S., Eberhardt, K. R., Buxton, O. M., & Troxel, W. M. (2021). Nightly sleep-wake concordance and daily marital interactions. *Sleep health*, 7(2), 266-272. doi:10.1016/j.sleh.2020.11.003
- Hanson, T. A., & Olson, P. M. (2018). Financial literacy and family communication patterns. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 19, 64-71. doi:10.1016/j.jbef.2018.05.001
- Hartley, S. L., Papp, L. M., & Bolt, D. (2018). Spillover of marital interactions and parenting stress in families of children with autism spectrum disorder. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 47(sup1), S88-S99. doi:10.1080/15374416.2016.1152552
- Holman, T. B., & Busby, D. M. (2011). Family-of-origin, differentiation of self and partner, and adult romantic relationship quality. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 10(1), 3-19. doi:10.1080/15332691.2010.539171
- Hollowell, J. R. (1996). *The experience of differentiation of self and personal authority among middle-aged men*. University of Houston.
- Jankowski, P. J., & Hooper, L. M. (2012). Differentiation of self: A validation study of the Bowen theory construct. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 1(3), 226. doi:10.1037/a0027469
- Kaleta, K. (2014). Marital satisfaction, differentiation of self and stress perceived by women. URI: <http://repozytorium.ukw.edu.pl/handle/item/1362>
- Keller, M. N. (2019). Bowen theory: 49A systems model for family research. In *Handbook of Bowen family systems theory and research methods* (pp. 49-61). Routledge.
- Kerr, C. (2011). Bowen Family Systems Theory (BFST) and family art therapy. In *Family art therapy* (pp. 95-117). Routledge.
- Kim, H. S., & Jung, Y. M. (2015). Self-differentiation, family functioning, life satisfaction and attitudes towards marriage among South Korean university students. *Indian Journal of Science and Technology*, 8(19), 1-8. doi:10.17485/ijst/2015/v8i19/138503
- Kim, K. H., & Kim, S. H. (2016). The Effects of Early Childhood Teacher's Self-differentiation and Self-efficacy on Psychological Well-being. *The Journal of the Korea Contents Association*, 16(4), 289-300. doi:10.5392/JKCA.2016.16.04.298
- Krycak, R. C., Murdock, N. L., & Marszalek, J. M. (2012). Differentiation of self, stress, and emotional support as predictors of psychological distress. *Contemporary family therapy*, 34(4), 495-515. doi:10.1007/s10591-012-9207-5
- Lahav, Y., Price, N., Crompton, L., Laufer, A., & Solomon, Z. (2019). Sexual satisfaction in spouses of ex-POWs: The role of PTSD symptoms and self-differentiation. *Journal of sex & marital therapy*, 45(8), 755-766. doi:10.1080/0092326X.2019.1594478
- Lee, E., & Roberts, L. J. (2018). Between individual and family coping: a decade of theory and research on couples coping with health-related stress. *Journal of Family Theory & Review*, 10(1), 141-164. doi:10.1111/jftr.12252
- Lipchik, E. (2019). Training Solution-Focused Family Therapists. *Encyclopedia of Couple and Family Therapy*, 3025-3030. doi:10.1007/978-3-319-49425-8_664

- Mahmoudpour, A., Shiri, T., Ahmadbokani, S., & Naeimi, E. (2021). Prediction of Marital Burnout Based on Differentiation of self and Communication Beliefs with mediation Role of Emotional Regulation in Female Applicants for Divorce. **Family Counseling and Psychotherapy**, *10*(2), 361-390.
- Murray, A. L., Booth, T., & Molenaar, D. (2016). Personality differentiation by cognitive ability: An application of the moderated factor model. **Personality and individual differences**, *100*, 73-78.
- Musetti, A., Grazia, V., Manari, T., Terrone, G., & Corsano, P. (2021). Linking childhood emotional neglect to adolescents' parent-related loneliness: Self-other differentiation and emotional detachment from parents as mediators. **Child Abuse & Neglect**, *122*, 105338
- Navarro-Gómez, S., Frías, Á., & Palma, C. (2017). Romantic relationships of people with borderline personality: A narrative review. **Psychopathology**, *50*(3), 175-187. doi:10.1159/000474950
- Park, H. J., & Byun, S. H. (2017). Effects of Self-differentiation of Remarried Couples, Marital Intimacy, Marital Conflict Coping Style on Marital Satisfaction. **The Journal of the Korea Contents Association**, *17*(7), 236-252. doi:10.5392/JKCA.2017.17.07.236
- Priest, J. B. (2019). Examining differentiation of self as a mediator in the biobehavioral family model. **Journal of marital and family therapy**, *45*(1), 161-175. doi:10.1111/jmft.12301
- Purwoko, B., & Fitriyah, F. (2018, February). Anger Management in Adolescents Behind Romantic Breakup: Implementation of Solution-Focused Brief Therapy. In **1st International Conference on Education Innovation (ICEI 2017)** (pp. 47-50). Atlantis Press. doi:10.2991/icei-17.2018.13
- Rasoli, M., Asodeh, M. H., Tamrchi, F., & Hoseini, Z. (2016). Factor structure and validation of Self-Differentiation Inventory Short Form (SDI-SF). **Psychometry**, *4*(16), 1-10.
- Regas, S. (2019). Infidelity, self-differentiation, and intimacy: The mindful differentiation model of couple therapy. doi:10.1037/0000151-004
- Reshef, P., & Israelashvili, M. (2021). Between Selflessness and Differentiation in Postnatal Adjustment: Exploration of a Combined Model. **Journal of Adult Development**, *28*(1), 25-36.
- Rodrigues, A. (2016). *Exploring the relationships among attachment, emotion regulation, differentiation of self, negative problem orientation, self-esteem, worry and generalized anxiety* University of Toronto (Canada)].
- Seiffge-Krenke, I., Persike, M., Karaman, N. G., Cok, F., Herrera, D., Rohail, I., ... & Hyeyoun, H. (2013). Stress with parents and peers: How adolescents from six nations cope with relationship stress. **Journal of Research on Adolescence**, *23*(1), 103-117. doi:10.1111/j.1532-7795.2012.00813.x
- Shakibae, T., Esmaili, M., & Karami, A. (2007). Effectiveness differentiation of self on mental health after divorce. **J Train Psychol**, *2*(7), 115-31.
- Sinai, M., & Peleg, O. (2021). Marital interactions and experiences of women living in polygamy: An exploratory study. **International journal of psychology**, *56*(3), 361-377. doi: 10.1002/ijop.12726
- Skowron, E. A., Kozlowski, J. M., & Pincus, A. L. (2010). Differentiation, self-other representations, and rupture-repair processes: Predicting child maltreatment risk. **Journal of counseling psychology**, *57*(3), 304. doi:10.1037/a0020030
- Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. **Journal of marital and family therapy**, *29*(2), 209-222. doi:10.1111/j.1752-0606.2003.tb01201.x

- Skowron, E. A., Stanley, K. L., & Shapiro, M. D. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal and psychological well-being in young adulthood. **Contemporary Family Therapy**, 31(1), 3-18.
- Stinson, M. A., Bermúdez, J. M., Gale, J., Lewis, D., Meyer, A. S., & Templeton, G. B. (2017). Marital satisfaction, conflict resolution styles, and religious attendance among Latino couples: Using the actor-partner interdependence model. **The Family Journal**, 25(3), 215-223. doi:10.1177/1066480717710645
- Szabo, A., Ward, C., & Jose, P. E. (2016). Uprooting stress, coping, and anxiety: A longitudinal study of international students. **International Journal of stress management**, 23(2), 190. doi:10.1037/a0039771
- Timm, T. M., & Keiley, M. K. (2011). The effects of differentiation of self, adult attachment, and sexual communication on sexual and marital satisfaction: A path analysis. **Journal of sex & marital therapy**, 37(3), 206-223. doi:10.1080/0092623X.2011.564513
- Titelman, P. (2014). The concept of differentiation of self in Bowen theory. In **Differentiation of Self** (pp. 33-94). Routledge.
- Walter, J. L., & Peller, J. E. (2013). **Becoming solution-focused in brief therapy**. Routledge. doi:10.4324/9780203776919
- Wood, N. D., Crane, D. R., & Keller, P. S. (2011). Tracking marital adjustment, hostility, and physical functioning across time in a therapy population: A biopsychosocial model. **Contemporary Family Therapy**, 33(3), 242-252.
- Yavuz Güler, Ç., & Karaca, T. (2021). The role of differentiation of self in predicting rumination and emotion regulation difficulties. **Contemporary Family Therapy**, 43(2), 113-123. doi:10.1007/s10591-020-09559-1

